



راز توفیقات احیاگر غدیر در «الغدیر»

در آستانه (12 تیرماه) سالروز رحلت علامه امینی رحمه الله علیه ...

در آستانه (12 تیرماه) سالروز رحلت علامه امینی رحمه الله علیه

تألیف و تنظیم: رضا صابری خورزوقی

علامه امینی، (ره) مؤلف کتاب گرانسنگ الغدیر است - که نه تنها شاهکار بزرگ شیعه بلکه اسلام و بلکه شاهکار دنیای دانش در عصر حاضر است و برای نوشتن آن، در طول حدود 40 سال، (1) 10 هزار کتاب را (که بعضاً، بالغ بر چندین جلد می‌شده) از ابتدا تا انتها خوانده و به 100 هزار کتاب مراجعات مکرر داشته است. (2) و بیش از نیمی از عمر خود را به نگارش «الغدیر»، اختصاص داد و «غدیر غریب» را احیا کرد.

اینهمه توفیق شایسته بررسی دقیق است تا سرّ آن آشکار گردد و شاید دیگران نیز بتوانند به آن دست یابند.

لذا، بر آن شدم تا گوشه‌ای ویژگی‌های این مرد بزرگ را تقدیمتان کنم و برای خود و شما از درگاه خداوند طلب توفیق نمایم.

* عشق علامه به قرآن و عترت رسول خدا(ص)

در احوالات ایشان نوشته‌اند که به خواندن قرآن و ادعیه و نمازهای مستحبی، علاقه‌ای در حد ولع داشت. رسم هر روزه وی چنین بود: زمانی که سپیده نزدیک می‌شد برای ادای نماز شب، از جای برمی‌خاست و تهجد شبانه را به انجام فریضه صبح در لحظات آغازین سپیده‌دم، پیوند می‌زد.

* برنامه روزانه علامه

آنگاه به قرائت قرآن می‌پرداخت و یک جزء کامل از آن را می‌خواند. خوانش قرآن نیز، با تدبر و تأمل در مفهوم آیات، و توشه‌گیری از دلایل و براهین آن، همراه بود. در فرجام، صبحانه می‌خورد و عازم کتبخانه خاص خود می‌شد و به مطالعه می‌پرداخت، تا آنکه شاگردانش نزد وی می‌آمدند تا از بیان شیرین، نظریات صائب، و آراء آزاد منشانه‌اش بهره‌گیرند. این چنین، مستمرا به تدریس و بحث اشتغال داشت تا بانک اذان ظهر از مأذنه‌ها برمی‌خاست. در این هنگام مہیای انجام فریضه می‌شد، سپس ناهار می‌خورد و ساعتی می‌غنود و مجدداً تلاش علمی در کتبخانه را از سر می‌گرفت و تا نیمه شب ادامه می‌داد! (3)

* تمسک همزمان به قرآن و اهل بیت(ع)

امینی، وصیت پیامبر اکرم (ص) در حدیث مشهور «ثقلین»؛ مبنی بر لزوم تمسک همزمان امت به قرآن و اهل بیت(ع)، را پیوسته در گوش داشت و برآستی دلباخته خاندان عصمت (ع) بود. به گفته مرحوم حکیم‌زاده «الغدیر»؛ امینی دائم الوضو بود و صبحها هر روز به حرم حضرت امیر مشرف می‌شد و سپس به کتبخانه می‌آمد.

* برای تشکر از مولا

افزون بر این، هر زمان نیز که حاجتی داشت (دنبال مطلبی در کتابی می‌گشت و پیدا نمی‌کرد یا در جستجوی کتابی به این سو و آن سو پرسه می‌زد و نمی‌یافت، و برای یافتن مقصود خود به مولا علیه السلام متوسل می‌شد) و از رهگذر لطف مولا مقصودش برآورده

می‌شد یا مطلبی را کشف می‌نمود، فوراً عبا بر دوش می‌افکند و به قول خود ««برای تشکر از مولا» به حرم می‌رفت. و مواردی را من خود، شاهد بودم.» (4)

*نگاه تند علامه به ««حسان»

امینی به نقطه کمال عشق فناي عاشق، در یاد و نام معشوق رسیده بود و در برابر محبوب قدسی، برای خود هیچ چیز نمی‌خواست.

حسان می‌گوید: ««با عده‌ای از ارادتمندان به پیشواز [علامه امینی] رفتیم. در وسط راه پیاده شدیم، منتظر ماندیم تا علامه امینی از راه رسیدند و پیاده شدند.

من اشعاری که در مدح ایشان سروده بودم قرائت کردم، طبق معمول ایشان، باز هم مثل همیشه انتظار داشتم که تشویق کنند. ولی برخلاف گذشته، بعد از روبروسی، علامه امینی يك نگاه تندي به من کردند و محکم و جدی فرمودند:

««حسان، اگر به جای مدح من، يك شعر در مدح امام زمان علیه السلام گفته بودی، یقیناً سود معنوی تو بیشتر بود.» (5)

با آن عشق و ارادت که امینی به آل‌الله علیهم السلام داشت، شگفت نیست اگر ببینیم که عنایت آن بزرگواران، چونان خورشید، بر مسیر زندگی او می‌تابید، و شدت این تابش، گاه به حدی بود که گویی می‌خواستند به همگان بفهمانند که ما امینی را دقیقاً زیر نگاه پر مهر خویش، داریم. در این باره، داستانهای شگفتی وجود دارد که شرح آن فرصتی دیگر می‌طلبد.

* همت بلند علامه

ایشان در زهد و تقوا و ورع مراقبت شدید داشتند. در امور دینی، متعبد و تسلیم در مقابل اوامر الهی بودند. اخلاق خوش و همت بالایی داشتند و شاید همین همت ایشان، باعث موفقیت‌شان شده، چرا که در مسیر رسیدن به هدفشان، موانع، باعث عقب نشینی و ناامیدی ایشان نمی‌شد. با داشتن این همه علم و دانش متواضع بوده و کبر و غروری در وجود ایشان دیده نمی‌شد.

* بسیار مراقب زبان خود بود

مرحوم علامه بسیار مراقب زبان خود بودند نقل شده است که هیچگاه کسی حرف رکیکی از ایشان نشنیده بود. در مورد پدرشان نیز می‌گویند آنقدر با اخلاق و سلیم النفس بودند که کسی ایشان را جز در مسائل مذهبی، خشمگین ندید. و چنان آداب را رعایت می‌نمودند که کسی کلام زشتی هرگز از ایشان نشیند.

* هر چه محبت به خدا بیشتر باشد،

گناهان کمتر می‌شود

توکل و انقطاع علامه امینی از غیر، زبانزد عام و خاص بود. علامه هرگاه با مشکلی مواجه می‌شدند متوسل به اهل‌بیت، خصوصاً امیرالمومنین علی علیه السلام می‌شدند.

علامه امینی عقیده‌شان بر این بود که اساس خلقت بنا بر محبت است. ایشان می‌گفتند که تمام عبادات ناشی از محبت است. (هل الدین الا الحب). هر چقدر محبت به خدا بیشتر باشد، از معاصی و گناهان بیشتر دوری می‌شود. مرحوم علامه می‌گفتند: کسی که توجه‌اش در نماز کم است مشکل محبتی دارد.

* قرائت و انس با قرآن در زندگی علامه خیلی مهم بود

ایشان در عبادات هم کوشا بوده و به اقامه نماز شب مقید بودند. همواره پس از نماز صبح، مشغول قرائت قرآن می‌شدند که با تدبر و تامل همراه بود.

علامه امینی یکی از مسائل اساسی که در زندگیشان خیلی مهم بوده توجه به قرائت قرآن و انس با قرآن بوده است. ایشان در ماه مبارک رمضان خود را برای روزه‌داری و عبادات از کارهای دیگر فارغ می‌کردند و در این ماه 15 ختم قرآن داشتند. چهارده ختم به نیت چهارده معصوم علیهم السلام و یک ختم به نیت پدر و مادر خود. و در ماههای دیگر حداقل یک ختم قرآن داشتند. تأثیر این قرائت‌ها

و انس با قرآن در قلم ایشان دیده می‌شود چرا که نوشته‌های ایشان بسیار روان و محکم است و البته تأثیر آن در الغدیر بسیار مشهود می‌باشد که استشهادهایی که ایشان در الغدیر به آیات قرآن داشته‌اند به گونه‌ای بوده که انگار این آیه برای آن موضوع مطروحه نازل شده است. (6)

* يك وجه #171؛ پنهان و ناشناخته» در زندگي علامه

علامه امینی، عمدتاً (و گاه، تنها) به وجه #171؛ علمی و تحقیقی» و احیانا #171؛ تبلیغی» خویش شناخته شده و کمتر کسی با وجه #171؛ سیاسی و ضد استبدادی ضد استعماری» او آشناست و این در حالی است که به قول استاد محمدرضا حکیمی: امینی از پیشوای فقید انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، با عنوان ذخیره الهی در بین شیعیان (ذخیره الله فی الشیعه) یاد می‌کرد و در گزارش مأموران ساواک، از تلگراف‌های بسیار امینی در حمایت از شخص امام (هنگام تبعید ایشان به عراق) و جلب توجه مراجع بین‌المللی به این امر، سخن رفته است. (7) در همین راستا می‌توان به نقش امینی در تحریض شهید نواب صفوی به مقابله با شخص کسروی اشاره کرد که ذکر آن در تاریخ آمده است. زنده‌یاد استاد دوانی از مرحوم شیخ محمدرضا نیکنام (از یاران شهید نواب و منسوبان نزدیک خلیل طهماسبی) نقل می‌کند که در مقدمه چاپ دوم #171؛ برنامه کار فدائیان اسلام» نوشته است: #171؛ در یکی از روزها عده‌ای از علما در منزل مرحوم آیت‌الله امینی جمع شدند و راجع به کسروی صحبت کردند، و نظریه آنان ارتداد چنین کسی بود. شهید نواب صفوی می‌فرمود که من در آنجا بودم و سخنان علما را استماع می‌کردم. در پایان سخنان آنها برخاسته و به ایران حرکت کردم». (8)

* شتاب علامه برای ملاقات با امیرالمؤمنین(ع)

علامه، در واپسین سالهای حیات، از فرط مطالعات بی وقفه و پیگیر خویش، اسیر بستر بیماری گردید و روز جمعه 28 ربیع الثانی 1390 هجری قمری (برابر با 12 تیر 1349 شمسی) هنگام اذان ظهر، در تهران دار فانی را بدرود گفت.

زمانی که چشم از جهان بر می‌گرفت و به دیدار محبوب می‌رفت، آخرین سخنانی که بر لبان آن مرد بزرگ جاری شد، این بود: #171؛ اللهم انّ هذه سكرات الموت قد حلت فأقبل الي بوجهك الكريم و اعتی علی نفسی بما تعین به الصالحین علی انفسهم ... «.

#171؛ خداوند! این سكرات مرگ است که به سویم می‌آید. پس به سوی من نظری کن و مرا با آن چه صالحان را کمک می‌کنی، کمک نما. (9) پس از ختم این دعا، ندای خداوند را لبیک می‌گوید و روح شریفش به سوی خداوند عروج می‌نماید.

آری، تلاش بی‌وقفه علامه امینی در دوران زندگی با عث ضعف جسمانی ایشان شده که منجر به بیماری در دو سال آخر عمر ایشان شد. خستگی‌ها و تحمل رنج‌های علامه امینی در راه اعتلای دین اسلام و مذهب تشیع و تحصیل و تدریس معارف اهل‌بیت علیهم السلام در ظهر روز جمعه 12 تیر ماه 1349 ه. ش (28 ربیع الثانی 1390 ه. ق) به پایان رسید و صاحب الغدیر، آن پیر فرزانه و پر مایه، پس از 68 سال تلاش و کوشش، به دیدار یار شتافت تا از دست صاحب غدیر و از چشمه زلال کوثر بیاشامد و غبار خستگی را از تن بزداید.

او رفت اما الغدیر وی چراغ خانه دل‌های با صفا و مشعل هدایت امت تا طلوع خورشید ولایت شد.

در ساعات آخر، مناجات #171؛ خمسه عشر» امام سجاد علیه السلام را بر لب داشت و چون فصل مربوط به مناجات تائبین را به پایان رساند، مرغ روحش به آسمان پرواز کرد. (10)

* تجلیل اهل معرفت از علامه

بامداد روز شنبه 13 تیر ماه، پیکر علامه از خیابان شاهپور تا سه راه بوذرجمهری و از آن جا تا مسجد ارك تشییع شد. مردم همانند کسی که عزیزترین کس خود را از دست داده باشند، در تشییع پیکر امین خود شرکت کردند به گونه‌ای که: #171؛ میدان‌ها و خیابان‌ها پر بود از جمعیت؛ همه سیاهپوش و غرق در تجلیل علم. (11)

جنازه شریف علامه از تهران به نجف اشرف انتقال یافت و با تشییعی باشکوه، در سرداب مخصوص جنب کتابخانه عمومی امام امیر المومنین که خود تأسیس کرده بود به خاک سپرده شد. (12)

در پی رحلت علامه امینی، در نجف و شهرها و اماکن مختلف ایران و دیگر کشورهای اسلامی، چنانکه شایسته او بود، از سوی علما و مراجع بزرگوار، همچون امام خمینی(ره) مجالس ترحیم و تکریم برپا گشت و شیفتگان ولایت در ماتم او عمیقاً به سوگ نشستند. (13)

پس از مراسم خاکسپاری، مردم تا مدت‌ها در شهرهای بزرگ ایران، عراق و دیگر کشورهای اسلامی، مجلس‌های ترحیم برگزار و از مقام علمی و معنوی آن بزرگمرد عرصه علم و تقوا تجلیل کردند.

هر چند پیکر خسته صاحب‌الغدیر از میان شیفتگان ایشان پنهان گشت، ولی‌الغدیر او مانند نگینی درخشان در عرصه دین و دانش باقی مانده است. به تعبیر استاد جلال‌الدین همایی: «#171؛ علامه امینی در واقع نمرده، بلکه حیات جاودانی یافته است.» (14)

* رؤیائی از آیت‌الله سید محمدتقی آل‌بحرالعلوم

آیت‌الله سید محمدتقی آل‌بحرالعلوم نقل می‌کند: پس از وفات امینی پیوسته در این فکر بودم که علامه امینی عمرش را قربانی و فدای مولا علیه‌السلام ساخت. مولا در آن عالم با وی چه خواهد کرد؟ این فکر مدت‌ها در ذهنم بود، تا این‌که شبی در عالم رویا، دیدم گویی قیامت برپا شده و عالم حشر است و بیابانی سرشار از جمعیت، ولی مردم همه متوجه یک ساختمانی هستند. پرسیدم: آنجا چه خبر است؟ گفتند: آنجا حوض کوثر است. من جلو رفتم و دیدم حوضی است و باد امواجی در آن پدید آورده و متلاطم است.

وجود مقدس علی بن ابیطالب علیهما السلام کنار حوض ایستاده‌اند و لیوان‌های بلوری را پر ساخته و به افرادی که خود می‌شناسند، می‌دهند در این اثنا همه‌های برخاست. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند: امینی آمد! به خود گفتم: بایستم و رفتار علی علیه‌السلام با امینی را به چشم ببینم، که چگونه خواهد بود؟ 10-12 قدم مانده بود که امینی به حوض برسد، دیدم که حضرت لیوان‌ها را به جای خود گذاشتند و دو مشت خود را از آب کوثر پر ساختند و چون امینی به ایشان رسید به روی امینی پاشیدند و فرمودند:

#171؛ خدا روی تو را سفید کند، که روی ما را سفید کردی!

از خواب بیدار شدم و فهمیدم که علی علیه‌السلام پاداش تألیف‌الغدیر را به مرحوم امینی داده است. (15)

ز فیض بحر ولایت غریق رحمت باد

که خود ز بحر ولایت، #171؛ غدیر» رحمت بود (16)

پی‌نوشت‌ها:

- (1) سیری در‌الغدیر، محمد امینی، صص 26 - 25، به نقل از خود علامه.
- (2) همان: ص 5، اظهارات دکتر محمدهادی امینی.
- (3) ربع قرن مع‌العلامه الامینی، حسین شاکری، قم 1417 ق، ص 31.
- (4) نیز ر.ک، وصف زیارت‌های مکرر و عاشقانه علامه امینی از حرم علوی و حسینی و رضوی (ع) از زبان دوست و دست‌پرورده‌اش: حسین شاکری، در کتاب #171؛ ربع قرن مع‌العلامه الامینی»، صص 32 - 31 و 280.
- (5) یادنامه علامه امینی، ضمیمه روزنامه رسالت، ص 22، خاطرات حسان.
- (6) مقدمه‌الغدیر، ج 1، صص 77 - 78، چاپ 1368.
- (7) شیخ حسین لنکرانی به روایت اسناد ساواک، ص 322.
- (8) نهضت روحانیون ایران، چاپ 2، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران 1377، ص 436. ایام: در بخش #171؛ نهان‌خانه» شماره حاضر، نکات و اسناد جالبی در باره اقدامات سیاسی علامه، و روابط وی با مبارزان عصر پهلوی، آمده است.
- (9) سیری در‌الغدیر، ص 8 + مقدمه‌الغدیر، ج 1، ص 122، چاپ 1368.
- (10) یادنامه علامه امینی، ص 5، اظهارات دکتر محمدهادی امینی.

(11) حماسه غدیر، محمدرضا حکیمی، ص 347.

(12) همان: ص 15

(13) حماسه غدیر، ص 345

(14) حماسه غدیر، ص 551.

(15) یادنامه علامه امینی، ضمیمه روزنامه رسالت، ص 6.

(16) يك بيت از قصیده مرحوم سید کریم امیری فیروزکوهی که در رثای علامه امینی سروده است.